

از جمله فواید کار تیمی ترکیبی جالبی است که از مجموعه مهارت‌های مختلف افراد در تیم ایجاد می‌کند. در کار تیمی وظایف همه به یکدیگر مرتبط و موفقیت نهایی به کل تیم وابسته است. تکروی باعث درجا زدن تیم می‌شود و برخلاف تصور همگان هیچ فردی نمی‌تواند پیشرفتی فراتر از سازمان و مجموعه خود داشته باشد. تکروی در طولانی مدت هیچ شخصی را به موفقیت شخصی و کاری نمی‌رساند.

یک مدیر خودمحمور باید به این نتیجه برسد که هر کاری را بهتر از دیگران انجام نمی‌دهد و اگر تمایل به پیشرفت و رشد فکری دارد بهتر است واگذاری مسئولیت به افراد لایق را اجرایی کند.

این سبک رهبری مشارکتی فضای کافی برای نوآوری و ایده‌های جدید ایجاد می‌کند. تمرکز ذهنی بر اهداف از مهم‌ترین وظایف مدیر است که با تقسیم وظایف و مشارکت دادن دیگران این امر حاصل می‌شود. اما کار تیمی مزایای دیگری نیز دارد.

فواید کار تیمی چیست؟

ریسک پذیری بالا: زمانی که به تنهایی مشغول کار هستیم کمتر جسارت پیدا می‌کنیم که ایده‌های جدید را هر چقدر هم که جذاب باشد اجرایی کنیم. هیچ موفقیتی بدون ریسک و دست زدن به تجربیات جدید به دست نمی‌آید.

کار تیمی جسارت و انگیزه تجربه کردن را بالا می‌برد. ترس تنها بودن مانع شروع می‌شود اما با همراهی دیگران جرات عمل کردن پیدا خواهید کرد. این کار سدهای ذهنی را می‌شکند و به خود خواهید گفت: این قدرها هم ترسناک نبود.

رشد کاری و شخصی: همه محدودیت‌هایی در مهارت‌های شغلی و پول و زمان دارند. کار تیمی این کمبودها را جبران می‌کند و اجازه می‌دهد با سرعت بیشتر و صرف انرژی کمتری به نتیجه برسید. تخصص و مهارت بخشی از موفقیت شغلی است و به همان اندازه هم نیاز به بهبود مهارت‌های ارتباطی است.

کمتر کاری است که بتوان صددرصد فردی انجام داد. هر کاری کم و بیش نیاز به تعاملات کاری دارد، پس کار تیمی را برای رشد شخصی و سازمانی جدی بگیرید.

کسب تجربه و یادگیری: کار تیمی باعث می‌شود که تجربیات افراد به یکدیگر منتقل شود که در هیچ دوره تحصیلی به این سرعت به دست نمی‌آید. در کار تیمی همه سیستم رشد می‌کند و به درکی جدید از کار و ارتباطات می‌رسد. این مورد از جمله مهم‌ترین فواید کار تیمی است زیرا انعطاف پذیری به شدت بالا می‌رود و ذهنیت یک فرد حرفه‌ای را پیدا می‌کند.

اگر فردی از شما دانش بیشتری داشت متواضعانه از او بیاموزید و خود نیز دانشی را که در اختیار دارید به دیگران منتقل کنید. در کار تیمی به ترکیب جدیدی از مهارت، ایده و خلاقیت می‌رسید که مطمئناً در هیچ فردی وجود ندارد.

در تیم هر فردی دوست دارد که دستاورد و یافته‌های خود را با بقیه به اشتراک بگذارد و به معلومات خود اضافه کند اما در کار فردی اغلب مواقع این انگیزه شدت کمتری دارد و تلاش زیادی برای به روز بودن نمی‌شود.

کاهش استرس: وقتی در جمع کار می‌کنید اگر مشکلی پیش بیاید نیازی نیست به تنهایی با آن روبرو شوید. در کار تیمی فشار عصبی به مراتب کمتر است. در واقع در کار تیمی استرس، شکست و موفقیت به یک میزان بین گروه تقسیم می‌شود.

نکته دیگر اینکه وقتی مسئول بخشی از کار هستید استرس کمتری نسبت به زمانی دارید که باید جوابگوی همه چیز باشید و در یک زمان بر روی چند موضوع تمرکز کنید.

فلسفه کار تیمی حمایت و پشتیبانی یکدیگر برای رسیدن به یک هدف مشترک است.

اعتمادسازی: اعتماد سنگ بنای کار تیمی است و برای بقا در دنیای تجارت باید زمان‌هایی به دیگران اعتماد کرد. مدیر باید به کارمندان نشان دهد که به آنها و کارشان اعتماد دارد و همین شیوه تفکر و عمل را به کارمندان نیز منتقل کند.

زمانی که افراد احساس شایستگی کنند عملکرد بهتر و خلاقیت بیشتری خواهند داشت. در کار تیمی همه افراد به این نتیجه می‌رسند که برای نقص‌ها و توانایی‌های یکدیگر احترام قائل باشند. **در سازمان‌های خودشکوفه، اعتماد متقابل بخشی از**

فرهنگ سازمانی است. زمانی که اعتماد باشد هیچ کدام از اعضاء به آنچه که نیست تظاهر نکرده و نقش بازی نمی‌کند.

مسئولیت پذیری: تنها زمانی که مسئولیت‌پذیری به عنوان یک ارزش در میان کارمندان شناخته شود سازمان می‌تواند به آینده خود امیدوار باشد.

کار تیمی مسئولیت پذیری افراد را بالا می برد. وقتی افراد ببینند که کار آنها در نتیجه تیم تاثیرگذار است تمایل بیشتری برای به سرانجام رساندن کار دارند. احساس تعلق افراد به یکدیگر بیشتر می شود و خود را با تیم دارای یک هدف مشترک می دانند و انرژی بیشتری احساس می کنند.

مهارت شغلی می تواند توسط خود فرد به دست بیاید اما مهارتهایی مانند مسئولیت پذیری، در یک تیم مجال بیشتری برای رشد خواهند داشت.

محیط کاری شاد: نتیجه کار تیمی بهبود روابط کاری و خلاقیت تیم است. وجود افراد خلاق و پویا است که محیط کاری شاد و سرزنده ای را مهیا می کند. وقتی که افراد احساس کنند که با آنها همانند یک فرد مفید و موثر رفتار می شود احساس بهتری نسبت به شغل خود پیدا می کنند.

وقتی فردی بداند که کار او چه ارزشی به سازمان اضافه می کند و در پیشرفت سازمان چه نقشی دارد، **اعتماد به نفس** بیشتری پیدا می کند و بهره وری بیشتری خواهد داشت.

افزایش بازدهی: در تیم هر کس در تخصص خود مشغول به کار است و انرژی فکری و جسمی صرف فعالیت های جانبی و غیر مرتبط نمی شود. تمرکز روی کار، آرامش ذهنی که برای افزایش بازدهی نیاز است فراهم می کند.

وقتی فردی در یک حوزه ای خاص مشغول به کار شود، در طولانی مدت در روند و سبک کار خود به نتایج خوبی می رسد.

حاصل کار تیم همواره چیزی بیشتر از مجموع کار تک تک افراد است.

حس پذیرش: وقتی افراد در تصمیمات مشارکت شرکت داشته باشند تعهد بیشتری برای اجرایی کردن آن دارند. این مسئله بسیار متفاوت از زمانی است که خود را تنها ابزاری برای اجرایی کردن تصمیمات و اهداف دیگران بدانند.

آنها از اینکه به آنها به چشم یک وسیله نگاه نشده رضایت دارند. مسئله ای که اغلب نادیده گرفته می شود این است که این نحوه رفتار برای بسیاری از اعضای تیم بسیار مهم تر و ارزشمندتر از پاداش و مزایای مالی است.

خواستن = توانستن

برخواستن = موفقیت